

اقتصاد دفاع و صلح

تحریم های اقتصادی اعمال شده چه زمانی کار می کنند؟

بررسی انتقادی ادبیات اثربخشی تحریم ها

When do imposed economic sanctions work?

A critical review of the sanctions effectiveness literatur

Dursun peksten

نویسنده: دورسون پکسن، گروه علوم سیاسی، دانشگاه ممفیس، ایالات متحده آمریکا

ترجمه: رسول صفر آهنگ، دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه تهران

چکیده

در واشنگتن و دیگر پایتخت‌های غربی اجماع سیاسی رو به رشدی وجود دارد که تحریم‌های اقتصادی ابزار قدرتمندی برای مقابله با بحران‌های بزرگ سیاست خارجی هستند. آیا تحریم‌ها، به‌ویژه تحریم‌های هدفمند، واقعاً ابزارهای قدرتمندی هستند که نظریه پردازان خوش بین، پیشنهاد می‌کنند؟ در چه شرایطی اقدامات اقتصادی تنبیهی باعث تغییر سیاست در کشورهای تحریم می‌شود؟ برای بررسی این پرسش‌ها، در این مقاله کوشش می‌کنیم شرایطی را بیان می‌کنیم که در ادبیات به احتمال زیاد منجر به نتایج موفقیت‌آمیز تحریم‌ها می‌شوند. ما همچنین چهار نقص عمده در این روش را مورد بحث قرار می‌دهیم. اولاً، تفسیر کشور تحریم کننده از اثربخشی تحریم‌ها به دلیل بی طرفانه نبودن باعث می‌شود موارد «غیر مؤثر» با پیامدهای منفی را به عنوان عدم تغییر قابل توجه در رفتار کشور هدف استنباط می‌کند. دوم، استفاده متداول از داده‌های ثابت پایگاه‌های دارای اطلاعات تحریم‌های موجود، توانایی محققان را برای مطالعه عوامل مختلف به ویژه تعیین زمان خاص تاثیرپذیری کشور هدف از تحریم‌ها را کاهش می‌دهد. سوم، مدل غالب چانه زنی دولت محور در ادبیات موجود سیاسی، بینش محدودی را نسبت به اقدامات اجباری علیه هدف ارائه می‌دهد که معطوف به بازیگران غیردولتی است. چهارم، مطالعه تحریم‌ها جدای از ابزارهای دیگری که اغلب همراه آن‌ها اعمال می‌شوند، مانند مشوق‌ها و فشارهای دیپلماتیک، به درک نسبی از نقش ویژه تحریم‌ها در شکل‌دهی به نتیجه ابتکارات کلیدی سیاست خارجی منجر می‌شود.

کلید واژه ها

حکمرانی اقتصادی؛ تحریم‌ها؛ دیپلماسی اجبار؛ اثربخشی تحریم

اگرچه تحریم های اقتصادی ابزارهای اجبار جدید نامگذاری می شوند، اما مسلماً هرگز به اندازه امروز نقش برجسته ای در سیاست خارجی نداشته اند. از زمان پایان جنگ سرد، ایالات متحده، اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد و اخیراً چین به طور فزاینده ای از تحریم های اقتصادی برای دستیابی به طیف گسترده ای از اهداف سیاست خارجی استفاده کرده اند. برای مثال، شورای امنیت سازمان ملل از سال ۱۹۶۶ ۳۰ روش تحریمی با هدف قرار دادن ۲۴ کشور مختلف تصویب کرده است. با این حال، از ۳۰ دوره تحریم، تنها دو مورد از آنها در طول جنگ سرد ایجاد شد. از دسامبر ۲۰۱۸، ۱۴ مورد تحریم در حال انجام است که توسط سازمان ملل نظارت می شود. به همین ترتیب، ایالات متحده بیش از ۲۵ کشور و نهادهای غیردولتی متعددی مانند گروه های تروریستی و قاچاقچیان مواد مخدر را از آغاز قرن بیست و یکم تحریم کرده است. با موفقیت اخیر تحریم های مالی جامع علیه ایران (از نگاه نویسنده اصلی) بر سر اشاعه تسلیحات هسته ای تحت دولت اوباما، سیاست گذاران در واشنگتن و سایر پایتخت های غربی اطمینان بیشتری پیدا کردند که تحریم های اقتصادی ابزار قدرتمندی برای سیاست هستند. اعتماد به تحریم ها، دولت آمریکا را تحت رهبری رئیس جمهور دونالد ترامپ، را بیشتر به سمت اعمال تحریم های سوق داد. به این ترتیب، اقدامات اقتصادی اجباری ابزار اصلی دولت ترامپ برای مقابله با دشمنان اصلی مانند کره شمالی، ایران، ونزوئلا و روسیه بوده است.

با این حال، میزان موفقیت تحریم ها به طور قابل توجهی به نسبت موارد مختلف تحریم متفاوت است. در حالی که تحریم های مالی جامع علیه ایران در دوران دولت اوباما در وادار کردن تهران به توافق بر سر محدودیت های برنامه هسته ای خود در سال ۲۰۱۴ موفق بود، بسیاری از روش های تحریم دیگر، نتوانسته اند امتیاز عمده ای را از کشورهای هدف بگیرند. به عنوان مثال، در مورد کره شمالی، پیونگ یانگ از زمان جنگ سرد توسط ایالات متحده و توسط ائتلاف های تحت رهبری سازمان ملل در دوران پس از جنگ سرد مشمول محدودیت های مالی، کاهش کمک ها، تحریم های تجاری بوده است. با این حال، قطع همکاری مالی، محدودیت های مالی، قطع کمک مالی و محدودیت های مسافرتی نه تنها نتوانستند رژیم کره شمالی را بی ثبات کنند، بلکه حتی قادر نبودند تغییر قابل توجهی در سیاست های متعارض این رژیم مانند سیاست های سرکوبگرانه و برنامه تسلیحات هسته ای ایجاد کنند.

ولی واقعا تحریم های اقتصادی اعمال شده چقدر موثر هستند؟ تحریم های متعارف و هدفمند چه زمانی و تحت چه شرایطی باعث ایجاد تغییرات رفتاری قابل توجه در کشورهای هدف (یعنی تحریم شده) می شود؟ آیا تحریم های هدفمند که در سال های اخیر به ابزار اصلی تبدیل شده اند، واقعاً به همان اندازه که تصور می شود «هوشمندانه» هستند؟ با توجه به فراگیر بودن تحریم ها در چشم انداز سیاست جهانی و اجماع رو به رشد سیاست در مورد تحریم ها به عنوان ابزار قدرتمند، این پرسش ها مستحق بررسی دقیق تر توسط محققان و جوامع سیاسی است. در جستجوی پاسخ این پرسش ها، این مقاله به بررسی تحقیقات دانشگاهی مربوطه می پردازد. در بخش بعدی، شرایطی را که ادبیات پژوهش به عنوان پیش بینی کننده اصلی موفقیت تحریم های اقتصادی شناسایی کرده است، مورد بحث قرار می دهیم. من همچنین به مجموعه ای از تحقیقات در مورد تحریم های هدفمند اشاره می کنم و توضیح می دهم که آیا آنها نسبت به اقدامات تجاری و سرمایه گذاری متعارف آن کشورها در شرایط فقدان تحریم، مؤثرتر بوده اند یا خیر. در مرحله بعد، به چهار نقص عمده ادبیات فعلی اشاره می کنم و تحقیقات بیشتر در مورد استفاده از تحریم های هدفمند علیه بازیگران غیردولتی و اقدامات قهری ثانویه علیه بازیگران دولتی و خصوصی شخص ثالث را توصیه می کنم.

تحریم های اقتصادی چه زمانی موثر است؟

به موازات افزایش بحث سیاست‌گذاری و توجه عمومی به دولت‌سازی اقتصادی، صاحب نظران بخش تحریم‌ها پیشرفت قابل توجهی در ارائه بینش به جنبه‌های مختلف استفاده و کارایی تحریم‌ها داشته‌اند. سؤالاتی که انگیزه ای برای تحقیق بر تحریم‌ها تا دهه ۱۹۹۰ بود در این پرسش مطرح می‌شد که چرا برخی کشورها علیه دیگر کشورها تحریم‌های اقتصادی اعمال می‌کنند و (۲) آیا تحریم‌های اقتصادی مؤثر هستند یا خیر؟ تحقیق در مورد سوال اول به ویژه برای نشان دادن این موضوع مفید بود که تحمیل تحریم‌ها یک فرآیند پیچیده است که می‌تواند با اهداف سیاسی مختلفی هدایت شود. باربر (۱۹۷۹)، به عنوان مثال، سه دسته اصلی از اهداف سیاست را شناسایی می‌کند: اهداف اولیه مربوط به رفتار و سیاست‌های اهداف. اهداف ثانویه مرتبط با وضعیت بین‌المللی کشورهای تحریم‌کننده؛ و اهداف ثالث مربوط به ساختار و عملکرد سیستم بین‌المللی است. لیندسی (۱۹۸۶)، از سوی دیگر، گسترده‌ترین دسته‌بندی‌ها را در مورد اهداف سیاست خارجی ارائه می‌کند که شامل تبعیت، منحرف ساختن، دفع، نمادگرایی داخلی و نمادگرایی بین‌المللی است.

در مورد سوال دوم، پژوهشی بر کشورهای کوبا، آفریقای جنوبی و رودزیا متمرکز بود تا توضیح دهد که چرا تحریم‌ها در تشویق رهبران هدف برای تن دادن به خواسته‌های خارجی مؤثر بوده یا شکست خورده است. با انتشار پایگاه داده جامع تحریم‌های اقتصادی توسط گری هافباوئر و همکارانش در سال ۱۹۹۰، محققان همچنین به صورت سیستماتیک تر آزمایش اعتبار تجربی ادعاهای نظری مختلف در مورد زمانی که تحریم‌های اقتصادی مؤثر هستند را آغاز کردند. با افزودن اخیر مجموعه داده تهدید و تحمیل تحریم‌ها (TIES) توسط مورگان، باپات، و کوبایاشی (۲۰۱۴) و پایگاه داده تحریم‌های هدفمند سازمان ملل توسط بیرستکر، اکرت و تورینیو (۲۰۱۶)، محققان حتی داده‌های بیشتری را در اختیار داشتند تا گزاره‌های نظری خود را در مورد حکمرانی اقتصادی اثبات کنند.

قبل از اینکه به طور کامل به ادبیات تعیین‌کننده موفقیت تحریم‌ها بپردازیم، توجه به این نکته مهم است که چه چیزی در تحریم‌ها «موفق» انگاشته می‌شود. حداقل یک صدای انتقادی (پایپ، ۱۹۹۷) از موفقیت آمیز بودن فشار خارجی متأثر از تحریم‌ها خبر می‌داد. بر اساس این تفسیر، به نظر می‌رسد که تحریم‌های اعمال شده به خودی خود کمتر جواب می‌دهند. با این حال بیش از ۱۰ درصد مواقع، دیگران از آستانه‌های معقول تری حمایت کردند (الیوت ۱۹۹۸؛ بالدوین ۱۹۸۵، ۱۹۹۸؛ هافباوئر و همکاران ۲۰۰۷). آنها پیشنهاد کردند که در صورت عدم نیل به تسلط کامل بر هدف، تحریم‌ها همچنان می‌توانند مؤثر باشند، زمانی که امتیازات جزئی را می‌گیرند یا حتی توافق‌نامه‌هایی را بین فرستنده (کشورهای تحریم‌کننده) و کشورهای هدف انجام می‌دهند. بر اساس دیدگاه اخیر، تحریم‌ها در حدود ۳۵ درصد مواقع ابزارهای موفق هستند.

ادبیاتی که در ادامه این بخش پوشش می‌دهم، عمدتاً به نفع تفسیر اخیر از اثربخشی تحریم‌ها است. از این رو، آنها فرض می‌کنند که تحریم‌های مؤثر تحریم‌هایی هستند که منجر به انطباق کامل هدف یا حداقل تغییر جزئی سیاست در راستای اهداف خط‌مشی اعلام‌شده تحریم‌کنندگان می‌شوند.

همکاری بین‌المللی

مطالعات نشان می‌دهد که تحریم‌های چندجانبه تحت نظارت نهادهای بین‌المللی مؤثرتر از تحریم‌های یک کشور یا یک ائتلاف موقت متشکل از چند کشور است (مارتین ۱۹۹۲؛ میرز و کلیفتون مورگان ۲۰۰۲؛ درزور ۲۰۰۰، ۲۰۰۳؛ باپات و مورگان، ۲۰۰۹؛ باپات و مورگان، ۲۰۰۹). حمایت گسترده بین‌المللی از تحریم‌های نهادینه شده، میزان «سرکوب تحریم‌ها» توسط دولت شخص ثالث و بازیگران خصوصی فرصت طلب را کاهش می‌دهد. این به نوبه خود توانایی هدف را برای یافتن بازارهای جایگزین برای تغییر مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری خود برای بقای تحریم‌ها تضعیف می‌کند.

تحریم‌های چندجانبه که توسط نهادهای بین‌المللی رهبری می‌شوند نیز ممکن است نسبت به تحریم‌های دسته جمعی موقت، کمتر در برابر مشکلات، در میان کشورهای تحریم‌کننده آسیب‌پذیر باشند (مارتین ۱۹۹۲؛ درزور ۲۰۰۰؛ باپات و مورگان ۲۰۰۹). نهادهای بین‌المللی احتمالاً مکانیسم‌هایی برای نظارت بر اجرای رژیم‌های تحریمی ایجاد می‌کنند تا اثربخشی آنها را افزایش دهند. آنها همچنین ممکن است قوانینی را برای مجازات افرادی که در حال نقض تحریم‌ها دستگیر می‌شوند، وضع کنند. حتی زمانی که نهادهای بین‌المللی نتوانند رژیم‌های تحریم را به شدت اجرا کنند، باز هم می‌توانند با نظارت بر ناقضان و محدودسازی منفعت آنها در عین اشتراک‌گذاری اطلاعات آنها بین اعضا به نتایج مطلوبی دست یابند.

اتحاد و روابط اقتصادی

تحقیقات نشان می‌دهد که کشورهای تحریم‌کننده نیازمند همراه‌سازی هم‌پیمانان خود هستند تا رقبای خود. انتظارات درگیری در آینده و همچنین تحمیل هزینه‌های احتمالی ممکن است کشورهای رقیب را تشویق کند تا از فشار خارجی سرپیچی کنند. از سوی دیگر، متحدان کشور تحریم‌کننده، تمایل بیشتری به پذیرش و بازگشت به روابط قبل از تحریم دارند تا آسیب به روابط نسبتاً قوی سیاسی و استراتژیک خود با کشور تحریم‌کننده را به حداقل برسانند.

بیشتر تحریم‌های مرسوم شامل محدودیت‌های مرتبط با تجارت (یعنی محدودیت‌های صادرات یا واردات) است. بنابراین، یکی دیگر از متغیرهای مورد توجه در ادبیات پژوهش درباره تحریم‌ها، میزان وابستگی اقتصادی در قالب وابستگی تجاری بین کشور تحریم‌کننده و تحریم‌شونده بوده است. انتظار نظری اصلی این است که وابستگی تجاری بیشتر اهداف به کشورهای تحریم‌کننده فشار اقتصادی قابل توجه بر اقتصاد آنها است و در نتیجه انگیزه بیشتری برای آنها ایجاد می‌کند تا در برابر فشار خارجی تن دهند. با این حال، اکثر مطالعات نشان می‌دهند که میزان وابستگی اقتصادی اهداف به فرستنده تحریم‌ها، تأثیر قابل توجهی بر تصمیم آنها برای مقاومت یا تن دادن به تحریم‌ها ندارد (مانند دشتی گیبسون، دیویس و رادکلیف ۱۹۹۷؛ دروری ۱۹۹۸؛ وانگ ۲۰۱۰).

کشورهای تحریم‌شونده اگرچه ممکن است از طریق توسعه روابط تجاری و سرمایه‌گذاری جدید با کشورهای ثالث، حتی از فشار شرکای اقتصادی خود جان سالم به در ببرند (اوپل ۲۰۰۹، ۲۰۱۵؛ لکتزیان و بیگلایزر ۲۰۱۳؛ پکسن و پترسون ۲۰۱۶) اما آنها اغلب از بازارهای سیاه و سایر کانال‌های غیرقانونی فراملی برای دسترسی به کالاها و محصولات کمیاب، برای فروش محصولات خود استفاده می‌کنند (Andreas 2005؛ Early and Peksen 2018). برخی از کشورهای تحریم‌شونده ممکن است از متحدان خود کمک اقتصادی دریافت کنند که به آنها کمک کند هزینه‌های فشار تحریم‌ها را تحمل کنند (Hufbauer et al. 2007). به طور کلی، شواهد محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد استحکام روابط اقتصادی کشورهای هدف تحریم، با کشورهای تحریم‌شده تفاوت دارد و آنها توانایی دسترسی به کالاهای کمیاب از طریق مسیرهای غیرقانونی را به‌طور قابل توجهی مسدود می‌کنند تا تحریم‌ها هزینه‌های مورد نظر را برای ایجاد تغییر رفتار بر روی کشور هدف تحریم اعمال کنند.

انواع اهداف سیاست

تحریم‌ها برای رسیدگی به طیف وسیعی از مسائل سیاسی مانند اشاعه تسلیحات هسته‌ای، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، نقض حقوق بشر و ترویج دموکراسی استفاده می‌شود. با این حال، شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد تحریم‌ها به احتمال زیاد به اهداف سیاسی کوچکتری مانند آزادی یک زندانی سیاسی دست می‌یابند تا اهداف سیاستی اصلی مانند تغییر رژیم سیاسی و آسیب‌های نظامی (Lindsay 1986؛ Hufbauer et al. 2007؛ Ang and Peksen 2007).

در هر صورت، استفاده از تحریم‌ها برای رویارویی با مسائل بسیار برجسته‌ای مانند تغییر رژیم نه تنها ممکن است با شکست مواجه شود، بلکه با بدتر شدن بیشتر آزادی‌های سیاسی در کشور تحریم شده، نتیجه معکوس داشته باشد (وود ۲۰۰۸؛ پکسن ۲۰۰۹؛ پکسن و کوپر دروری ۲۰۱۰؛ آدام و تزارسیتالیدو ۲۰۱۹). در همین راستا، محققان نشان می‌دهند که اقدامات اجباری در محدود کردن دسترسی کشور تحریم شده به منابع ضروری، نسبت به دستیابی به اهداف نمادین داخلی مانند حمایت عمومی بیشتر از رهبران آن کشور، کارکرد بهتری خواهد داشت (Lindsay 1986 ; Whang 2011 ; Giumelli 2011 ; Biersteker). اکریت و تورینیو (۲۰۱۶).

رژیم سیاسی و ویژگی‌های نهادی

تحقیقات دیگر ارتباط احتمالی بین ویژگی‌های رژیم تحریم شده و موفقیت تحریم‌ها را بررسی می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی معمولاً، بر علیه دموکراسی‌ها بهتر جواب می‌دهد تا دیکتاتوری‌ها (بروکز ۲۰۰۲؛ کامپفر، لوونبرگ و مرتنز ۲۰۰۴)، با توجه به این وضعیت، رهبران خودکامه تمایل بیشتری به سرکشی دارند زیرا اغلب برای حفظ خود و پایگاه حمایتی‌شان، از هزینه‌های تحمیل‌کننده متأثر از تحریم، فرار می‌کنند. آنها به طور خاص با مداخله در اقتصاد از تحریم‌ها دوری می‌کنند تا ثروت و منابع موجود را که به دلیل تحریم‌ها کمیاب شده است به سمت حامیان خود و دور از رقبا و شهروندان عادی خود منحرف کنند.

از سوی دیگر، رهبران دموکراتیک برای تحمل هزینه‌های اجباری تحریم محدودتر هستند. از آنجا که ائتلاف حامی آنها شامل همه شهروندان یا سهم بزرگی از آنها می‌شود، برای رژیم‌های دموکراتیک سخت‌تر است که انگیزه‌های مثبتی برای حفظ وفاداری رای دهندگان خود ارائه دهند.

علاوه بر این، به دلیل سنت‌های قوی حاکمیت قانون و عملکرد سیستم‌های کنترل قدرت، برای دولت‌های دموکراتیک سرکوب مخالفان وضع حاصل از تحریم‌ها را سخت می‌کند. بنابراین، آنها انگیزه بیشتری برای موافقت با درخواست اصلاحات از سوی تحریم‌کنندگان به منظور باقی ماندن در قدرت دارند.

با تکیه بر تحقیقات نوع رژیم سیاسی، مطالعات نشان می‌دهد که تحریم‌ها می‌توانند علیه رژیم‌های خودکامه نیز مؤثر باشند، به‌ویژه زمانی که علیه رژیم‌های شخصی‌گرا اعمال شوند (Escriba-Folch and Wright 2010، ۲۰۱۵؛ Peksen 2019). رژیم‌های شخصی - رژیم‌هایی هستند که مبتنی بر گروه کوچکی از وفاداران جمع‌آوری شده‌اند. این رژیم‌ها در اطراف یک نفر که معمولاً فاقد نهادهای مستقر مانند یک شبکه حزبی قوی یا یک دستگاه نظامی هستند، شکل می‌گیرند و فقدان نهادهای مرتبط با دولت قوی و کارآمد برای جمع‌آوری مالیات و تولید سایر درآمدهای دولتی تضعیف هستند و متعاقباً آنها را در مقایسه با سایر رژیم‌های استبدادی به شدت به کمک‌ها و رانت‌های خارجی وابسته می‌کند. بنابراین، هنگامی که آنها با تحریم‌هایی به شکل کاهش کمک‌ها یا سایر محدودیت‌های اقتصادی مواجه می‌شوند، رژیم‌های شخصی‌گرا در ارائه مشوق‌های مادی به حامیان خود مانند نخبگان نظامی و تجاری ارشد محدودتر می‌شوند. ظرفیت ضعیف دولت و نهادها، توانایی خود را برای استفاده از سرکوب و دیگر ابزارهای قهری برای سرکوب مخالفت‌ها و مخالفت‌های رو به رشد داخلی پس از اعمال تحریم‌ها کاهش می‌دهند. از سوی دیگر، رژیم‌های تک حزبی و نظامی بعید است که تسلیم تحریم‌ها شوند. دلیلش این است که چنین دیکتاتوری‌هایی دارای درجه بالایی از نهادینه‌سازی و ظرفیت قهری قوی برای استفاده مؤثر از ابزارهای سرکوبگر و انگیزه‌های مثبت برای سرکشی در اختیار دارند.

از این رو، به نظر می رسد میزان محدودیت های نهادی که رهبران کشورهای تحت تحریم با آن مواجه هستند، عامل نهادی کلیدی دیگری در توضیح اثربخشی تحریم ها هستند. صرف نظر از نوع رژیم، رهبران سیاسی که توسط بازیگران متعدد محدود می شوند، ممکن است تمایل بیشتری به تن دادن به تحریم ها داشته باشند، زیرا وجود بازیگران مستقل متعدد با ترجیحات سیاسی متفاوت، پیگیری سیاست های داخلی یا خارجی برای مقابله با فشار خارجی را برای آنها دشوارتر می کند.

هزینه های اقتصادی و پویایی خرد تحریم ها

محققان خاطرنشان می کنند که اجبار اقتصادی زمانی که آسیب عمده ای به اقتصاد کشور تحریم شده وارد می کند، به احتمال زیاد به اهداف سیاستی مورد نظر خود دست می یابد (دشتی گیبسون، دیویس و رادکلیف ۱۹۹۷؛ دروری ۱۹۹۸؛ هافباور و همکاران ۲۰۰۷؛ باپات و همکاران ۲۰۱۳). از این رو هزینه اقتصادی تحریم ها ممکن است باهم منطبق باشد، اما اگر در مراحل اولیه تحمیل به جای تدریجی یا در مراحل آخر تحریم ها احساس شود، بسیار مؤثر است (Hufbauer et al. 2007; Dizaji and van Bergeijk 2013). این یافته از "نظریه ساده لوحانه تحریم ها" پشتیبانی می کند (Galtung 1967). این نظریه بیان می کند که هر چه سختی اقتصادی ناشی از تحریم ها بیشتر باشد، ممکن است مشروعیت و ظرفیت اجباری رهبران، آسیب بیشتری ببیند که متعاقباً آنها را برای تن دادن به خواسته های خارجی تحت فشار قرار می دهد.

خط دیگری از تحقیقات محققان، به بررسی موفقیت تحریم ها می پردازد. این رشته از ادبیات پژوهش، از این رو اهمیت دارد که تحمیل هزینه های عمده بر هدف را نادیده نمی گیرد. با این وجود، آنها خاطرنشان می کنند که باید در نظر داشت که چه کسی متحمل هزینه های اقتصادی و سیاسی متاثر از اجبار می شود (Kaempfer and Lowenberg 1988; Kirshner 1997; Lektzian and Patterson 2015; Pond 2017). کامپفر و لونبرگ (۱۹۸۸) رویکرد انتخاب عمومی را برای مطالعه اثربخشی تحریم ها معرفی کردند. آنها یک مدل گروه ذینفع را ارائه کردند که نشان می دهد اگر تحریم ها قدرت اقتصادی و سیاسی گروه های ذینفعی را که از سیاست مخالف حمایت می کنند تضعیف کند، بهتر عمل می کند تا به رفاه اپوزیسیون یا کل جامعه هدف آسیب برساند. یعنی تحریم ها باید موازنه قوا را به نفع مخالفان سیاست اعتراضی را تغییر دهد تا به نتیجه ای موفق دست یابد.

تحریم های هدفمند در مقابل تحریم های متعارف

رشته دیگری از ادبیات پژوهش، این موضوع را بررسی می کند که آیا تحریم های هدفمند موثرتر از تحریم های تجاری و سرمایه گذاری متعارف هستند یا خیر. در پاسخ، تحریم های هدفمند شامل مسدود کردن دارایی ها، محدودیت های مالی در فعالیت های بانکی بین المللی، محرومیت از فروش کالاهای لوکس، تحریم های بخشی (به عنوان مثال، تحریم های تسلیحاتی و محدودیت های فناوری استفاده دوگانه) و محدودیت های مسافرت است. در حالی که تحریم های متعارف اقدامات ترجیحی در قرن بیستم بود، تحریم های هدفمند به عنوان محبوب ترین ابزار قهری در دو دهه گذشته جایگزین آن ها شده است. تغییر تحریم های هدفمند تا حدی به دلیل این انتظار بود که با اعمال فشار مستقیم بیشتر بر بازیگران اصلی هدف و ائتلاف های حامی آنها، موفق تر شوند. از آنجایی که هدف آنها افراد خاص یا بخش های اقتصادی است، انتظار می رفت که حداقل اثرات انسانی و سایر اثرات منفی را بر غیرنظامیان داشته باشند.

اگرچه در سال های اخیر رژیم های تحریمی هدف این قبیل تحریم ها بودند، اما شواهد محکمی وجود ندارد که نشان دهد تحریم های هدفمند موفق تر از تحریم های متعارف هستند (کورایت و لوپز ۲۰۰۲؛ توستنسن و بول ۲۰۰۲؛ اریکسون ۲۰۱۱؛ درزور ۲۰۱۱؛ بیرستکر، اکرت، و تورینیو ۲۰۱۶). با توجه به پایگاه داده تحریم های جمع آوری شده توسط Eckert, Biersteker و Tourinho

(۲۰۱۶) که شامل اطلاعات دقیق در مورد ۲۳ دوره تحریم‌های هدفمند سازمان ملل است، اقدامات هدفمند تنها در ۲۲٪ موارد به هدف اولیه خود دست یافتند که کمتر از میزان موفقیت کلی است. تحریم‌های متعارف گزارش شده در Hufbauer et al (۲۰۱۶) و پایگاه‌های داده TIES (۳۷٫۵٪). بیرستکر، اکرت و تورینیو همچنین تحلیل می‌کنند که آیا تحریم‌ها در تغییر رفتار هدف مؤثرتر از محدود کردن دسترسی به منابع یا نشان دادن نقض یک هنجار بین‌المللی بوده است یا خیر. آنها دریافتند که تحریم‌های هدفمند در ۱۰ درصد مواقع در اجبار و ۲۷ درصد در محدود کردن موفقیت آمیز بوده است.

روزنبرگ و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند که تحریم‌های مالی (یعنی محدودیت‌های دسترسی به فعالیت‌های بانکی جهانی و دارایی‌های مالی که توسط بازیگران کشورهای هدف در خارج از کشورهایشان نگهداری می‌شود) می‌تواند یکی از استثناهای قابل توجه برای موفقیت نسبتاً پایین تحریم‌های هدفمند باشد. آنها با تجزیه و تحلیل داده‌های ۲۲ مورد تحریم مالی ایالات متحده از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، گزارش دادند که تحریم‌های مالی در حدود ۴۰ درصد مواقع کار می‌کنند. بنابراین، میزان موفقیت تحریم‌های مالی ایالات متحده گزارش شده توسط روزنبرگ و همکارانش از تحریم‌های مرسوم گزارش شده در Hufbauer و پایگاه‌های داده TIES بیشتر است. تحریم‌های مالی، به‌ویژه اقداماتی که برای تراکنش‌های مالی هدف‌ها انجام می‌شود، زیرا می‌تواند باعث فشار اقتصادی بزرگ شود. با توجه به نفوذ ایالات متحده در سیستم مالی جهانی، برای کشورهای هدف و شرکای بالقوه آنها بسیار سخت‌تر است که تحریم‌های مالی را شکست دهند. بانک‌ها و سایر نهادهای مالی تمایل کمتری برای تعامل با نهادهای مالی هدف خواهند داشت تا از هرگونه هزینه اعتباری ناشی از نقض تحریم‌ها و مجازات‌های قابل توجه دولت ایالات متحده جلوگیری کنند.

در این ادبیات به خوبی مستند شده است که تحریم‌های سنتی تجاری و سرمایه‌گذاری ممکن است بر آزادی‌های سیاسی تأثیر منفی بگذارد (وود ۲۰۰۸؛ پکسن ۲۰۰۹؛ پکسن و کوپر دروری ۲۰۰۹، ۲۰۱۰؛ آدام و تزارسیتالیدو ۲۰۱۹)، آزادی مطبوعات (پکسن) ، آزادی مطبوعات (پکسن) سایر شرایط بشردوستانه (وایس و همکاران ۱۹۹۷؛ گیونز ۱۹۹۹؛ گوردون ۲۰۱۰؛ پکسن ۲۰۱۱؛ آلن و لکتزیان ۲۰۱۳؛ نوین کیرش و نویمایر ۲۰۱۶)، برابری درآمد (افسورگور و مهادوان از قبیل ناتوانی جامعه، ۲۰۱). زنان (دروری و پکسن ۲۰۱۴) و گروه‌های اقلیت قومی (پکسن ۲۰۱۶). در واقع، تأثیرات بشردوستانه و سایر اثرات منفی تحریم‌های جامع علیه عراق در دهه ۱۹۹۰ که به خوبی تبلیغ شده بود، یکی از محرک‌های تلاش برای اقدامات اجباری نوآورانه‌تر، دقیق‌تر و هدفمندتر بود.

با این حال، مطالعات نشان می‌دهد که تحریم‌های هدفمند نیز می‌توانند اثرات منفی قابل توجهی داشته باشند، به ویژه افزایش سرکوب سیاسی، وخامت شرایط بشردوستانه، فساد در دولت، و حکومت‌داری ضعیف (گوردون ۲۰۱۱؛ بیرستکر، اکرت و تورینیو ۲۰۱۶؛ کارنیرو و آپولیناریو ۲۰۱۶). روزنبرگ و همکاران (۲۰۱۶؛ Early و Schulzke 2019). برای مثال، بیرستکر، اکرت، و تورینیو (۲۰۱۶)، به این نکته اشاره می‌کنند که در ۵۸ درصد از موارد تحریم‌های هدفمند سازمان ملل، افزایش فساد و جنایت وجود داشته است و رژیم‌های هدف در ۳۵ درصد موارد مستبدتر شده‌اند. به همین ترتیب، روزنبرگ و همکاران. (۲۰۱۶) توجه داشته باشید که تحریم‌های مالی هدفمند اعمال شده توسط ایالات متحده از سال ۲۰۰۱ به حکومت خودکامه‌تر، سطوح بالاتر فساد و کاهش توسعه انسانی در کشورهای هدف کمک می‌کند. به طور کلی، اکثر تحریم‌های هدفمند نه تنها نرخ موفقیت نسبتاً پایینی در دستیابی به اهداف سیاست‌گسسته دارند، بلکه ممکن است اثرات منفی عمده‌ای بر غیرنظامیان داشته باشند.

کاستنی‌های عمده ادبیات و شاخه‌های پژوهش در آینده

علیرغم پیشرفت قابل توجه در درک فعلی از اثربخشی تحریم‌ها، چند سوال عمده در ادبیات نادیده گرفته شده یا بی پاسخ مانده است. در این بخش، من چهار محدودیت عمده در ادبیات را مورد بحث قرار می‌دهم، از جمله (۱) درک فرستنده از اثربخشی

تحریم‌ها،(۲) استفاده متداول از داده های تحریم ایستا بدون توجه به عوامل متغیر زمان، (۳) رویکرد دولت محور غالب به مطالعه دولت اقتصادی علیرغم استفاده فزاینده از تحریم ها علیه بازیگران غیردولتی، و (۴) فقدان داده ها و مطالعات جامع در مورد اثربخشی تحریم ها نسبت به سایر ابزارهای سیاستی که اغلب آنها را همراهی می کنند.

نگرش جهت‌دار فرستنده از موفقیت تحریم ها

مطالعات موجود غالباً به مسئله اثربخشی با تمرکز محدود بر روی اینکه آیا اجبار خارجی به تغییر سیاست رضایت‌بخش مطابق با خواسته‌های فرستندگان دست می‌یابد، نزدیک می‌شوند. به عبارت دیگر، استفاده از عباراتی مانند «شکست» و «ناکارآمدی» در این مجموعه کار اغلب نشان می‌دهد که تحریم‌ها (۱) هیچ تغییر قابل‌توجهی در رفتار هدف در جهتی که فرستندگان انتظار دارند یا (۲) منجر به تسلیم شدن توسط فرستنده‌ها شده است. این تفسیر متداول و مغرضانه فرستنده از اثربخشی تحریم ها، یک نتیجه محتمل دیگر را نادیده می‌گیرد: تغییر بیشتر در سیاست کشور تحریم شده در جهت مخالف.

از خواسته های فرستنده به طور خاص، درک کنونی از اثربخشی تحریم‌ها، این احتمال قوی را که تحریم‌های اقتصادی اقداماتی معکوس در زمینه برخی بحران‌ها با بدتر کردن وضعیت هستند، کاهش می‌دهد.

به عنوان مثال، مطالعات بر روی تحریم‌های متعارف و هوشمند نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی احتمالاً باعث سرکوب بیشتر دولتی در کشورهای هدف می‌شوند (وود ۲۰۰۸؛ پکسن ۲۰۰۹؛ کارنیرو و آپولیناریو ۲۰۱۶؛ آدام و تزارسیتالییدو ۲۰۱۹)، حتی زمانی که با اعمال خاصی اعمال شوند. هدف ارتقای حقوق بشر (پکسن ۲۰۰۹؛ پکسن و کوپر دروری ۲۰۰۹). بنابراین، در مواردی که تحریم‌های حقوق بشر باعث سرکوب بیشتر دولتی می‌شود، این نتیجه‌گیری همراه‌کننده و ناقص است که تحریم‌ها در پیشبرد حقوق بشر «کارساز» نبوده است. بلکه ارزیابی دقیق‌تر در چنین مواردی باید این باشد که تحریم‌ها تأثیر قابل‌توجهی بر کشور هدف داشته است، اما تأثیری منفی و در جهت مخالف انتظار فرستنده‌ها بوده است. از این رو، در ارزیابی موارد تحریم شکست خورده، محققان باید مواردی را که تحریم‌ها یک بحران معین را بدتر کرده است از مواردی که تحریم‌ها هیچ تغییر محسوسی در سیاست‌های هدف مطابق با انتظارات فرستنده نداشته است، جدا کنند. با انجام این کار، آن‌ها نه تنها تفسیر دقیق‌تری از نتایج تحریم‌ها ارائه می‌کنند، بلکه سیاست‌گذاری‌های آینده را در رابطه با نتایج محتمل اعمال تحریم‌ها در زمینه‌های مختلف بهتر راهنمایی می‌کنند.

حتی در مواردی که تحریم‌ها به اهداف سیاستی مورد نظر خود دست می‌یابند، اثرات خارجی منفی عمده تحریم‌ها مرتباً توسط تحقیقات نادیده گرفته شده‌اند. رژیم‌های تحریمی "موفق" ممکن است در کوتاه مدت به حل مسئله مورد مناقشه کمک کنند. اما همچنان ممکن است با تحریک بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، حکومت‌داری ضعیف و جنایات گسترده و فعالیت‌های غیرقانونی منجر به پیامدهای بلندمدت برای اهداف شود. اگر چنین است، از منظر سیاستی، نباید این نکته را نادیده گرفت که دستاوردهای کوتاه‌مدت به‌خاطر ثبات اقتصادی و سیاسی بلندمدت کشورهای هدف ممکن است مشکلات جدید و احتمالاً بزرگ‌تری را برای اهداف، کشورهای همسایه و فرستنده‌ها ایجاد کند.

عدم وجود داده های تحریمی متغیر با زمان

فقدان داده‌های تحریم‌های متغیر با زمان، مانع عمده دیگری است که محققان در پاسخ به چندین سؤال مهم در مورد اثربخشی تحریم‌های اقتصادی با آن مواجه هستند. پرکاربردترین منابع داده (Hufbauer et al. 2007 ; Clifton, Bapat, and)

Kobayashi 2014 ; Biersteker, Eckert, and Tourinho 2016) از هر قسمت تحریم‌ها (مثلاً تحریم‌های ایالات متحده علیه هائیتی از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ برای بازگرداندن دموکراسی) استفاده می‌کنند. واحد تحلیل آنها هر مورد تحریم را به عنوان یک مشاهده در برآوردهای آماری خود در نظر می‌گیرند. با انجام این کار، همه متغیرهای مرتبط با تحریم‌ها، مانند شدت اقتصادی تحریم‌ها، ایستا هستند و به‌عنوان یک نقطه داده در هر قسمت تحریم براساس مقادیر میانگین در کل دوره تحریم کدگذاری می‌شوند.

به عنوان مثال، فقدان داده‌های دقیق تحریم‌های سری زمانی به این معنی است که ما هنوز نمی‌دانیم تغییرات در شدت اقتصادی اجبار در طول سال‌های تحریم چگونه بر رفتار یک هدف تأثیر می‌گذارد. به همین ترتیب، اگرچه همکاری بین‌المللی برای اجرای موثر تحریم‌ها ضروری تلقی می‌شود، اما با داده‌های تحریمی موجود، رمزگشایی از اینکه چه اتفاقی می‌افتد در صورت تغییر در اندازه یک ائتلاف تحریم‌کننده، به‌ویژه زمانی که کشورهای بیشتری تصمیم به اتخاذ تصمیم می‌گیرند، دشوار است. نقش فعال تر در اعمال تحریم‌های چندجانبه. بنابراین مهم است که از برخورد با هر مورد تحریم به عنوان یک نقطه داده با جمع‌آوری داده‌های تحریمی متغیر با زمان هم برای هدف و هم برای فرستنده، حرکت کنیم تا پویایی‌های مختلف تحریم‌های مربوط به زمان را بهتر دریافت کنیم.

رویکرد دولت محور غالب و بازیگران غیردولتی تحریم شده

یکی دیگر از کاستی‌های عمده ادبیات مربوط به رویکرد دولت‌محور غالب در مطالعه دولتی اقتصادی است. مجموعه تحقیقات موجود به شدت بر چارچوب چانه زنی تکیه دارد تا بررسی کند که چگونه عوامل داخلی و بین‌المللی مختلف بین بازیگران دولتی استفاده و نتیجه اقدامات اقتصادی اجباری را تعیین می‌کنند (به عنوان مثال، کلیفتون و شوباخ ۱۹۹۷؛ درزور ۱۹۹۹؛ باپات و کوون ۲۰۱۵). مدل چانه زنی برای توضیح بسیار منطقی است تعاملات استراتژیک بین دولت‌ها با این حال، به عنوان یک رویکرد دولت محور، قدرت توضیحی محدودی برای تحلیل اثربخشی تحریم‌های اعمال شده علیه بازیگران غیردولتی دارد. گروه‌های شورشی، تروریستی سازمان‌ها، شرکت‌ها و قاچاقچیان انسان و مواد مخدر در سال‌های اخیر به اهداف ثابت تحریم‌ها تبدیل شده‌اند (Biersteker, Eckert, and Tourinho 2016 ; Rosenberg et al. 2016). محققان همچنان به توسعه استدلال‌های خود حول این فرض می‌پردازند که مذاکرات و حرکت‌های آشتی متقابل یا یک جنبه بین بازیگران دولتی صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، تحریم‌های هدفمند علیه گروه‌های تروریستی و سایر نهادهای غیرقانونی، بعید است که شامل چانه‌زنی و مذاکرات دیپلماتیک باشد. بنابراین، فرستندگان ممکن است در هنگام معامله با برخی از نهادهای غیردولتی، مصالحه با مذاکره را انتخاب نکنند یا حتی به دنبال امتیازات جزئی نباشند. این نشان می‌دهد که ادبیات از توسعه مدل‌های نظری برای درک بهتر ماهیت تعاملات بین فرستنده‌ها و اهداف غیر دولتی سود زیادی می‌برد.

علاوه بر این، اگرچه گروه‌های غیردولتی در سال‌های اخیر به اهداف منظم تحریم‌ها تبدیل شده‌اند، اما هنوز اطلاعات کمی در مورد اینکه تحریم‌ها تا چه حد فعالیت‌های اغلب غیرقانونی و مخفیانه آنها را برای القای پایبندی مختل می‌کند، نداریم. تحقیقات بیشتر در مورد استراتژی‌هایی که این گروه‌ها برای زنده ماندن از تحریم‌ها دنبال می‌کنند، به ویژه برای درک بهتر سابقه موفقیت نسبتاً پایین تحریم‌های هدفمند مفید خواهد بود. جمع‌آوری داده‌ها در مورد گروه‌های غیرقانونی به دلیل ماهیت مخفیانه فعالیت‌های آنها، کاری چالش برانگیز است، که تا حدی فقدان مطالعات کامل در مورد گروه‌های غیردولتی را توضیح می‌دهد. با این حال، فقدان تحقیقات کافی در این زمینه نیز به دلیل تداوم تسلط رویکرد دولت محور در ادبیات است. با استفاده از داده‌های رسمی و سایر منابع ثانویه، تلاش‌های جمع‌آوری داده‌ها با تمرکز بر دوره‌های تحریم‌های تکمیل‌شده شامل افراد، شرکت‌ها و سایر نهادهای غیردولتی به پیشبرد ادبیات در درک فرآیند تحریم و ماهیت تعاملات بین بازیگران دولتی و غیردولتی کمک می‌کند.

یک حوزه تحقیقاتی مرتبط که در ادبیات مطالعه نشده است، تحریم‌های ثانویه یا فراسرزیمینی است. تحریم‌ها معمولاً مبادلات اقتصادی بین نهادهای تحریم‌کننده و کشورهای هدف را محدود می‌کند. با افزایش نگرانی‌ها در مورد رفع تحریم‌ها توسط کشورهای ثالث، ایالات متحده به طور فزاینده‌ای اقدامات ثانویه را به تحریم‌های اصلی الحاق کرده است. تحریم‌های ثانویه دسترسی کسب‌وکارهای غیرآمریکایی به بازار و سیستم مالی ایالات متحده را در صورت انجام فعالیت‌های اقتصادی خاص با هدف تحریم‌های ایالات متحده ممنوع می‌کند. قانون آزادی و دموکراتیک کوبا در سال ۱۹۹۶ (همچنین به عنوان قانون هلمز-برتون شناخته می‌شود) و قانون تحریم‌های ایران/لیبی در سال ۱۹۹۶ دو نمونه قبلی از تحریم‌های ثانویه هستند. در این اقدامات، دولت آمریکا نهادهای خصوصی و دولتی غیرآمریکایی را تهدید کرد که در صورت ادامه معاملات با کوبا، ایران و لیبی، از دسترسی به اقتصاد آمریکا و جلوگیری از معاملات اقتصادی با شرکت‌های آمریکایی خارج از کشور جلوگیری می‌کنند.

در سال‌های اخیر، ما همچنین مشاهده کردیم که تحریم‌های مالی و هدفمند به رهبری ایالات متحده، به ویژه علیه ایران، کره شمالی و روسیه، شامل اقدامات اجباری ثانویه مشابهی برای به حداکثر رساندن فشار اقتصادی مورد نظر تحریم‌های هدفمند است. همانطور که در مورد تحریم‌های مالی جامع علیه ایران به دلیل اشاعه تسلیحات هسته‌ای از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، به نظر می‌رسد تحریم‌های ثانویه شامل تحریم‌های ایران تأثیر تحریم‌هایی را که در نهایت ایران را متقاعد به موافقت با امتیازات قابل توجه در مورد برنامه هسته‌ای خود در ازای این تحریم‌ها کرد، تشدید کرده است. رفع تحریم‌ها (روزنبرگ و همکاران ۲۰۱۶). به غیر از برخی شواهد حکایتی و تحقیقات در مورد پیامدهای قانونی تحریم‌های ثانویه (گریوز ۱۹۹۷؛ کلارک ۲۰۰۴؛ مایر ۲۰۰۸)، هنوز تحقیقات محدودی وجود دارد که تجزیه و تحلیل دقیقی از اینکه آیا و تحت چه شرایطی تحریم‌های ثانویه مانع از بین بردن تحریم‌ها می‌شود و متعاقباً کمک می‌کند، وجود دارد. بهبود اثربخشی تحریم‌های اولیه.

کاربرد تحریم‌ها نسبت به سایر ابزارهای سیاست‌گذاری

یکی دیگر از کاستی‌های عمده ادبیات مربوط به کاربرد تحریم‌ها نسبت به سایر ابزارهای سیاستی است که اغلب آنها را همراهی می‌کنند. تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان بخشی از دیپلماسی اجباری و دولت‌سازی اقتصادی اغلب همراه با ابزارهای دیگر به‌جای انزوا در طول بحران‌های خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرند. Biersteker و همکاران. (2018 : 408)، به عنوان مثال، گزارش می‌دهند که تحریم‌های سازمان ملل هرگز به طور جداگانه اعمال نمی‌شوند. آنها با تلاش‌های دیپلماتیک و میانجی‌گری (۹۷٪) همراه هستند و اغلب همراه با حفظ صلح (۶۲٪) و تهدید یا استفاده از زور (۶۲٪) استفاده می‌شوند. این ارزیابی همچنین با مجموعه داده‌های دیگر که تشخیص می‌دهند فرستنده‌ها اغلب از خط مشی دیگری استفاده می‌کنند، سازگار است.

ابزارهایی مانند تهدید به زور و انگیزه‌های اقتصادی، در طول دوره‌های تحریم برای گرفتن امتیاز (Hufbauer et al. 2007 ; Clifton, Bapat, and Kobayashi 2014). با این وجود، پژوهش در مورد اثربخشی تحریم‌ها عمدتاً با اجبار اقتصادی به‌عنوان ابزاری برخورد می‌کند که گویی به صورت فردی برای مقابله با یک بحران خاص استفاده می‌شود.

پایگاه‌های اطلاعاتی تحریم‌ها که توسط هافباوئر و همکاران جمع‌آوری شده است. (۲۰۰۷) و Eckert, Biersteker و Tourinho (۲۰۱۶) از این نظر منحصر به فرد هستند که تلاش می‌کنند میزان مشارکت خود تحریم‌ها را در دستیابی به یک هدف سیاستی نسبت به سایر ابزارهای تکمیلی بسنجند. با این حال، حتی کدگذاری آن‌ها از سهم سیاست تحریم‌ها نیز از ارزیابی این که ابزارهای تکمیلی مانند مشوق‌ها و فشار دیپلماتیک در کمک به تحریم‌ها برای دستیابی به یک نتیجه مثبت یا بالعکس چقدر

مهم بوده‌اند، کوتاهی می‌کند. با توجه به رواج داده‌های مربوط به مداخلات نظامی، دیپلماسی و انگیزه‌های اقتصادی، یکی دیگر از روش‌های متمرکز ثمر تحقیقات آینده، ارائه یک ارزیابی سیستماتیک و چند متغیره از میزان تأثیر تحریم‌ها در شکل‌دهی به نتیجه ابتکارات کلیدی سیاست خارجی در مقایسه با سایر موارد است.

نتیجه

این مقاله مروری مختصر بر ادبیات دانشگاهی در مورد اثربخشی تحریم‌ها ارائه می‌دهد. تحقیقات موجود نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی در صورت تحریم‌های چندجانبه که توسط نهادهای بین‌المللی رهبری می‌شوند، در دستیابی به اهداف سیاست خود مؤثرتر هستند. اگر آنها هزینه‌های اقتصادی قابل توجهی را برای اقتصاد هدف تعیین کنند. اگر آنها به جای رقبا معطوف به متحدان باشند. اگر آنها با اهداف سیاسی معتدل به جای اهداف بلندپروازانه مانند تغییر رژیم تحمیل شوند. و اگر رژیم‌های دموکراتیک تری را هدف قرار دهند. تحقیقات کنونی همچنین نشان می‌دهد که اگرچه تحریم‌های هدفمند به ترجیح‌ترین نوع تحریم تبدیل شده‌اند، اما بیشتر از تحریم‌های تجاری و سرمایه‌گذاری سنتی به اهداف مورد نظر خود دست پیدا نمی‌کنند.

اگرچه ادبیات اثربخشی مدت‌هاست که جنبه‌های معکوس اعمال تحریم‌ها نادیده گرفته شده است، شواهد قابل توجهی نیز وجود دارد که هم تحریم‌های هدفمند و هم تحریم‌های متعارف می‌توانند به اثرات خارجی منفی قابل توجهی منجر شوند. مطالعات نشان می‌دهد که تحریم‌ها ممکن است منجر به استبداد بیشتر، افزایش سرکوب دولتی، حکمرانی ضعیف، وضعیت بدتر بهداشت عمومی، فقر گسترده و سطوح بالاتر نابرابری درآمد در کشورهای هدف شود. از این رو، تحریم‌ها نه تنها ممکن است غالباً از دستیابی به اهداف تعیین‌شده خود کوتاهی کنند، بلکه ممکن است در مواقعی ابزارهای معکوس‌کننده‌ای باشند که بیش از آنکه فایده داشته باشند، آسیب می‌رسانند. بنابراین، برای تحقیقات آتی ضروری است که پرونده‌های تحریمی «غیر مؤثر» را باز کند تا پرونده‌های شکست خورده با نتایج بدتر را از مواردی که هیچ اثر منفی یا مثبت ملموسی نداشتند، جدا کنند.

نوع ابزارهای اقتصادی اجباری و همچنین اهداف آن ابزارها در طول زمان تکامل یافته است. تحریم‌های هدفمند علیه افراد و گروه‌های غیردولتی به ویژه در سال‌های اخیر به اقداماتی پرکاربرد تبدیل شده‌اند. برای درک بهتر تحریم‌های مدرن، تحقیقات آینده باید از مفروضات دولت محور دور شده و توجه بیشتری به عوامل متفاوت احتمالی که بر رفتار و واکنش بازیگران غیردولتی به فشار خارجی تأثیر می‌گذارند، معطوف کنند. تحریم‌های ثانویه علیه بازیگران شخص ثالث یکی دیگر از انواع رایج تحریم‌های مدرن است. بنابراین، یکی دیگر از حوزه‌های احتمالی تحقیقات آینده بررسی این است که چگونه تحریم‌های فراسرزمینی بر نتیجه تحریم‌های اولیه تأثیر می‌گذارد و آیا چنین اقدامات محدودکننده‌ای آسیب قابل توجهی به روابط بین کشورهای تحریم‌کننده و کشورهای ثالث وارد می‌کند یا خیر.

جهت ارجاع علمی: دورسون پکسن، «اقتصاد دفاع و صلح»، ترجمه رسول صفر آهنگ، تاریخ انتشار در سایت مرکز:

۱۶/۸/۱۴۰۱